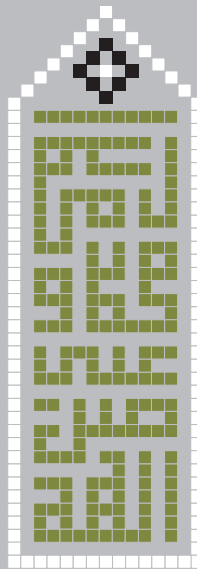


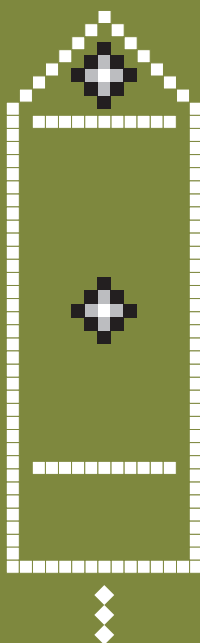
## اسماء الوحي والحي



سرشناسه: شیخ الاسلام زاده، زهرا، ۱۳۷۵ -  
عنوان و نام پدیدآور: سوژه زن مبارز و تناقضات نقشی در جریان انقلاب اسلامی /  
زهرا شیخ الاسلام زاده؛ ویراستار رضا صادقیان.  
مشخصات نشر: تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری،  
پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۴۰۲.  
مشخصات ظاهری: ۱۴۴ ص.  
شابک: ۳-۴-۹۲۷۷۰-۹۲۲۲-۹۷۸-۶۲۲۲-۹۲۷۷۰-۳-۴  
یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۴۰-۱۴۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.  
موضوع: زنان -- ایران -- وضع اجتماعی -- قرن ۱۳ ق. - ۱۴  
Women -- Iran -- Social conditions -- 19 - 20th century  
موضوع: ایران -- تاریخ -- قاجاریان، ۱۱۹۳ - ۱۳۴۴ ق. -- زنان  
Iran -- History -- Qajars, 1779 - 1925 -- Women  
موضوع: ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۰۴ - ۱۳۵۷ -- زنان  
Iran -- History -- Pahlavi, 1925 - 1978 -- Women  
شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی. حوزه هنری. پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی  
رده بندی کنگره: ۵/DSR1۴۲۲  
رده بندی دیویی: ۷۵۰۸۲/۹۵۵  
شماره کتابشناسی ملی: ۹۳۰۴۰۳۲

سوژه زن مبارز  
وتناقضات نقشی  
در جریان انقلاب اسلامی

زهرا شیخ الاسلام زاده



نشانی:  
تهران، خیابان سمیه،  
حوزه هنری، پژوهشکده  
فرهنگ و هنر اسلامی  
کد پستی: ۱۵۹۹۷۱۹۵۱۳  
شماره تماس: ۹۱۰۸۸۲۷۱



نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

شماره تماس نشر پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی: ۹۱۰۸۱۰۲۴۲۸



پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی

## سوژه زن مبارز

و تناقضات نقشی در جریان انقلاب اسلامی

نویسنده: زهرا شیخ‌الاسلام زاده

ویراستار: رضا صادقیان

طراح جلد و گرافیک: صادق جمالی

صفحه‌آرا: احمد الهی

چاپ اول: ۱۴۰۲

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۲۷۷۰-۳-۴



پیشکشی ناچیز به سرور بانوانِ دو عالم  
حضرت صدیقه کبری (س)  
اسوه زنانگی...



و تقدیم به روح بلند پدرم  
که عالمانه، چگونه زیستن را به من آموخت...



## فهرست مطالب



- ۸ پیشگفتار پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی  
۱۰ مقدمه نویسنده



- ۳۱ فصل نخست؛ درآمدی تاریخی بر موضوع  
۳۲ زنان و کنشگری در زمینه توسعه کشور در مقطع فاجار  
۳۴ زنان و بحران حقوق در مقطع پهلوی اول  
۳۷ زنان و دوگانه حجاب و حق رأی در مقطع پهلوی دوم



- ۴۵ فصل دوم؛ نقش سخنوران  
۴۶ تأثیر سخنوران بر آگاهی یافتن زنان  
۴۷ سخنان امام خمینی رهبر  
۵۴ سخنان علی شریعتی  
۵۷ سخنان مرتضی مطهری



- ۶۳ فصل سوم؛ جذب زنان به مبارزه  
۶۴ شکل‌گیری آگاهی زن مبارز  
۶۷ عوامل جذب زنان به مبارزه  
۶۷ جامعه‌پذیری در خانواده‌ای مبارز  
۷۱ ازدواج با همسری مبارز  
۷۴ تأثیرگذاری مدارس اسلامی  
۷۷ تأثیر سخنان متفکران دینی  
۷۹ وجود نابرابری‌های طبقاتی  
۸۱ شناخت صحیح از اسلام  
۸۳ الگوگیری از زنان شاخص اسلام

فصل چهارم: زنان در بستر مبارزه	۸۵	
زنان و تجربه مبارزه	۸۶	
الگوهای مبارزه زنان	۹۳	
الگوی مبارزاتی فرهنگی	۹۳	
الگوی مبارزاتی سیاسی	۹۵	
الگوی مبارزاتی چریکی	۹۸	
تبعات مبارزه	۱۰۰	
تبعات منفی	۱۰۳	
فصل پنجم: تعارضات نقشی	۱۰۷	
سطح فردی	۱۱۰	
توسل و الگوبرداری از حضرت زینب <small>علیها السلام</small>	۱۱۳	
استفاده از تکنیک برنامه ریزی	۱۱۴	
اولویت داشتن مبارزه	۱۱۷	
سطح بینافردی	۱۲۰	
سطح اجتماعی	۱۴۰	
فصل ششم: تفاوت الگوی مبارزه زن مسلمان و زن چپ	۱۲۷	
نتیجه‌گیری	۱۳۳	
منابع و مأخذ	۱۴۰	



## پیش‌گفتار پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی



شاید کمتر مسئله‌ای همچون «مسئله زن» در روزگار ما، یعنی عصر جمهوری اسلامی، سرشتی چنین متناقض‌نما و ابعاد و لایه‌هایی متفاوت و حتی ظاهراً متعارض یافته باشد. از سویی، مسئله زن در تمامی این سال‌ها به‌ویژه از سوی دشمنان و مخالفان به‌عنوان نقطه ضعف یا چشم‌آسندیدار جمهوری اسلامی مورد توجه قرار گرفته و بر آن سرمایه‌گذاری شده است که نقطه اوج آن را در بلوای پاییز ۱۴۰۱ شاهد بودیم. از سوی دیگر، احیا و ارتقای منزلت زن و امکان بخشی به حضور مؤثر او در عرصه‌های گوناگون جامعه و طرح دکترین «الگوی سوم زن مسلمان» (در فراروی از زن منفعل سنتی و زن کالایی شده مدرن) ترجیح‌بند بیانات رهبران انقلاب و بخش درخشان کارنامه جمهوری اسلامی از نظر آنان بوده است. در سه دهه گذشته، فضای بحث و تبادل نظر در باب مسئله زن همچون بسیاری دیگر از موضوعات و مقولات علمی عمدتاً در سیطره نوعی ادبیات وارداتی منقطع از بوم و هویت جامعه ایرانی بوده است. این سیطره علاوه بر آنکه در شناخت واقعیت‌های محقق زن معاصر ایرانی اخلال کرده، مسیر حل و فصل مسائل و چالش‌های آن را نیز به بیراهه کشیده است. صورت‌بندی نادرست از مسئله یا طرح پوزینگ و پرطنین نامسئله‌ها به ظهور پاسخ‌هایی می‌انجامد که کمکی به بهبود و ارتقای شرایط زن ایرانی مسلمان نمی‌کند. برای گریز از این وضعیت طی دو مسیر به‌طور همزمان ضرورت دارد: نخست، لازم است که در مقام نظریه‌پردازی و اندیشه‌ورزی به مواجهه انتقادی با



ادبیات وارداتی پرداخت و چالش‌ها و بن‌بست‌های آن را به دقت تبیین کرد. این مسیری است که به اهتمام فعالان دغدغه‌مند حوزه مطالعات اسلامی زن و خانواده کم‌وبیش گام‌هایی در آن برداشته شده است؛ به علاوه لازم است تا این مواجهه نظری با گزارش‌های تجربی و تاریخی انضمامی از واقعیت‌های محقق زن معاصر ایرانی تکمیل شود. متأسفانه به این مسیر دوم توجه شایسته نشده و در مواردی مورد غفلت قرار گرفته است.

کتاب حاضر تلاشی است در جهت برداشتن گامی ولو کوچک در مسیر دوم. نویسنده و محقق این اثر با متمرکز ساختن توجه خود به سرگذشت و خاطرات زنان فعال در مبارزات انقلابی منتهی به انقلاب، کوشیده به این پرسش پاسخ دهد که آنان چگونه با تراحم نقش خانوادگی (همسر، مادر) و اجتماعی (مبارز انقلابی) خود مواجه شده و با چه راهبردها و الگوهای رفتاری آن را مدیریت می‌کردند. مسئله این تحقیق گرچه در بستر موقعیت تاریخی طرح می‌شود اما در بطن خود مسئله امروز و اکنون ما نیز هست. به‌ویژه که با گسترش حضور اجتماعی زنان ایرانی پرسش از نقطه تعادل و شیوه جمع میان نقش‌های به‌ظاهر ناسازگار اهمیتی مضاعف یافته است.

امید است که حاصل این پژوهش آغازین، مورد توجه اهالی این حوزه مطالعاتی قرار گیرد و منشأ گشودن باب گفت‌وگوهای انتقادی و تعریف پژوهش‌های تکمیلی باشد.



## مقدمه نویسنده



در زمان حاضر، مسئله نقش‌آفرینی اجتماعی زنان در کنار نقش‌های خانوادگی‌شان، یکی از مهم‌ترین و پرچالش‌ترین مسائل جامعه ماست. امروزه ما شاهدیم که علاقه بانوان به حضور مؤثر در اجتماع، در حال افزایش است. زن مسلمان ایرانی تمایل دارد که در اجتماع، نقش‌آفرینی کند و او این مسئله را یکی از وجوه هویتی خود به عنوان یک زن می‌داند. او علاقه‌مند است که در حوزه مورد علاقه خود در جامعه، در شکل‌های متفاوت، به ایفای نقش اجتماعی بپردازد. اما در این مسیر با مسائل گوناگونی روبه‌روست؛ زیرا این زن در نهاد خانواده نقش‌های مادری و همسری را نیز بر عهده دارد و این نهاد، مسئولیت‌هایی را بر دوش او قرار داده است. در کنار این دو نقش مهم، اگر زنان به انجام فعالیت اجتماعی نیز تمایل داشته باشند، نیازمند یک مدیریت قوی بین نقش‌های سه‌گانه خود هستند؛ چراکه گاهی این مسئولیت اجتماعی را با انتظارات نقشی اولیه خود در تزاخم می‌بینند.

سعی بر پیدا کردن یک الگوی رفتاری برای انجام تمامی مسئولیت‌های خود و رفع تناقضات، راه‌حلی است که پیش روی بانوان جامعه قرار دارد. گرچه این مسئله در جامعه کنونی به دلیل افزایش بانوان علاقه‌مند به فعالیت اجتماعی، بیشتر به چشم می‌آید، در طول تاریخ ایران نیز نمونه‌هایی از این دست بانوان فعال وجود دارد که با بررسی کارنامه آن‌ها می‌توان به الگوی رفتاری‌ای که برای رفع تناقضات نقشی خود به کار گرفته‌اند، دست پیدا کرد.

آگاهی زنان به مسائل اجتماعی و سیاسی پیرامون خود، در طول تاریخ و به تدریج به وجود آمده است. زنان ایرانی در جریان مواجهه ایران با تجدد، به فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی روی آوردند و دربارهٔ هویت و نقش‌های خانوادگی و نقش‌های اجتماعی و مؤثری که می‌توانستند در جامعه داشته باشند، بازناندیشی کردند. اولین شواهد تاریخی ما در خصوص آگاهی سیاسی و اجتماعی زنان، به واقعهٔ تحریم تنباکو بازمی‌گردد. سپس این روند پیدایی خودآگاهی در مقطع پیروزی نهضت انقلاب اسلامی به اوج رسید و در فاصلهٔ بین این دو نهضت، «مسئلهٔ زنان» به یک رکن مهم مباحثات سیاسی و اجتماعی، و نیز سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و اجتماعی بدل شد. حکومت‌ها به تدریج متوجه شده بودند که نادیده‌گرفتن بخش مهمی از جامعه، یعنی زنان، فرایند برنامه‌ریزی‌ها و سپس اجرای آن‌ها را با مشکلاتی روبه‌رو می‌کند و به همین دلیل، بر آن شدند تا به مسئلهٔ زنان به‌عنوان مسئله‌ای مهم و تأثیرگذار بپردازند.

با توجه به شواهد تاریخی، جنبش تنباکو یکی از نقاط مهم شروع حضور بانوان در عرصه‌های اعتراضی و سیاسی است. در این جنبش، زنان برای جلوگیری از تبعید آیت‌الله آشتیانی، محل منزل ایشان را محاصره کردند و با سردادن شعار موجب وحشت گارد سلطنتی شدند.<sup>۱</sup> زنان دربار نیز به فتوای آیت‌الله شیرازی، بساط قلیان را جمع کردند و اعتراضات شاه نیز راه به جایی نبرد. همچنین در نهضت مشروطه، تاریخ‌گواهی می‌دهد که زنان در اکثر قیام‌ها و اعتراضات که منجر به پیروزی انقلاب مشروطه شد، حضور و نقش

۱. «گروه‌گروه از زنان تهران به سوی محلهٔ سنگلج رهسپار بودند و تا قبل از ساعت ۸ صبح، تقریباً تمام زنان محلهٔ سنگلج را که منزل آشتیانی در آن قرار داشت، در محاصرهٔ خویش گرفتند. زنان شعار «یا غریب الغریب، می‌رود سرور ما، یا غریب الغریب، می‌برند سرور ما» را سر دادند و آن چنان هیبت و اقتداری از خود به نمایش گذاردند که بازار تهران مجبور به اعلام تعطیلی شد» (مرادحاصلی، ۱۳۸۶: ۲۲).

تحسین برانگیزی داشتند.<sup>۱</sup> علاوه بر حضور در عرصه‌های سیاسی و نظامی، زنان در ابعاد فرهنگی نیز شروع به فعالیت کرده بودند و مدارس و انجمن‌هایی موافق با گرایش‌های سیاسی خود تأسیس کردند (مرادحاصلی، ۱۳۸۶: ۲۷). بعد از این دو واقعه، مهم‌ترین اتفاقی که به‌طور مستقیم با زنان، به‌ویژه زنان مسلمان و مذهبی ارتباط داشت، مسئله کشف حجاب در دوران رضاخان بود (همان: ۳۰). کشف حجاب منجر به تقابل بین سنت و تجدد در جامعه ایرانی شد و درگیری‌های متعددی را به وجود آورد که تا انقلاب اسلامی نیز ادامه داشت. با اعلام رسمی قانون کشف حجاب در سال ۱۳۱۴ و بدرفتاری مأموران حکومتی با بانوان محجبه، عملاً زنان نمی‌توانستند به‌طور گسترده در جامعه حضور داشته باشند و به مخالفت با این جریان برخیزند؛ بنابراین، برای حفظ شأن و منزلت خود بالاچاره خانه‌نشین شدند. حکومت نیز برای تحت فشار گذاشتن زنان محجبه، مقرر کرد که آن‌ها حق ورود به اماکن عمومی و تفریحی را ندارند و حتی از ورود زنان محجبه به صحن حرم امام‌رضا (علیه‌السلام) ممانعت کرد (طهماسبی، ۱۳۸۵: ۲۸). اما با خلع رضاشاه و شروع حکومت محمدرضاشاه، بسیاری از زنانی که به اجبار چادر برداشته بودند یا خانه‌نشینی را انتخاب کرده بودند، فرصت را مغتنم شمردند و مجدداً در مجامع حضور یافتند. اغلب مبارزات زنان در این دوره در اعتراض به حاکمیت، به شکل برگزاری مراسم مذهبی و محافل قرآنی بود (مرادحاصلی، ۱۳۸۶: ۳۴ و ۳۵).

از موارد دیگری که در باب مسئله زنان در تاریخ اهمیت دارد و حکومت پهلوی تصمیم گرفت که آن را عملی کند، مسئله اعطای حق رأی به زنان در فرایند انقلاب سفید در سال ۱۳۴۱ بود. طبق لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی که در

۱. مرادحاصلی به نقل از دلریش می‌گوید: «زنان با تشکیل دسته‌های مختلف و ازدحام در برابر ساختمان مجلس، خواستار تصویب سریع متمم قانون اساسی از سوی نمایندگان شده‌اند» (همان: ۲۶).

۱۹ مهر ۱۳۴۱ انتشار یافت، مقرر شده بود که قید اسلام از شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان حذف و به زنان حق انتخاب‌کردن و انتخاب‌شدن داده شود (طهماسبی، ۱۳۸۵: ۳۵). این اتفاق از نظر مشارکت سیاسی بسیار قابل توجه بود؛ اما با مخالفت‌های روحانیون مبارز و در رأس آن‌ها، امام خمینی مواجه شد و شروعی بود برای مبارزاتی دیگر با حکومت پهلوی. مخالفت روحانیون با این مسئله به دلیل شرایط حاکم بود و امام خمینی صریحاً فرمودند که اسلام هیچ‌گاه مخالف آزادی زنان نیست.<sup>۱</sup> به نوعی می‌توان گفت این مسئله با حجاب زنان پیوند داشت و حکومت به دنبال این بود که با مشارکت زنان در مجامع و محافل سیاسی، به تدریج، قانون کشف حجابی را که در ابتدا برای پاره‌ای از ملاحظات سیاسی لغو کرده بود، مجدداً روی کار آورد.

طهماسبی معتقد است که اقدامات حکومت تأثیر بسزایی در خروش مردم، به ویژه زنان، در برابر مسائل جامعه داشت. همان طور که پیش‌تر اشاره شد، اقداماتی مانند کشف حجاب،<sup>۲</sup> انقلاب سفید،<sup>۳</sup> جشن ۱۷ دی،<sup>۴</sup> فعالیت‌های

۱. «اسلام هیچ‌گاه مخالف آزادی زنان نبوده است؛ برعکس، اسلام با مفهوم زن به عنوان شیء مخالفت کرده است و شرافت و حیثیت او را به وی باز داده است. زن مساوی مرد است. زن مانند مرد آزاد است که سرنوشت و فعالیت‌های خود را انتخاب کند؛ اما رژیم شاه است که با غرق کردن آن‌ها در امور خلاف اخلاقی، می‌کوشد تا مانع آن شود که زنان آزاد باشند» (خمینی، ۱۳۷۸: ۳۷۰).

۲. پس از تبعید رضاشاه، زنان توانستند علناً علیه بی‌حجابی وارد عمل شوند و موج بازگشت به حجاب و بی‌اعتنایی به گذشته، یکی از عوامل سیاسی شدن بخش‌های مهمی از جامعه زنان شد (طهماسبی، ۱۳۸۵: ۳۴).

۳. شرکت زنان در راهپیمایی علیه فراندوم و لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، از اولین نمونه‌های شرکت زنان در مبارزات علیه رژیم است که زمینه‌ساز حرکت‌های بعدی آن‌ها شد (همان: ۳۹).

۴. هر سال به مناسبت سالگرد کشف حجاب در این تاریخ، جشنی برپا می‌شد که با رژه‌ها و حرکات غیراخلاقی و مبتذل همراه بود و در این روز، روزنامه‌ها مقالاتی بر ضد اسلام و حجاب اسلامی منتشر می‌کردند. مردم و به ویژه زنان، در برابر این اقدام با حضور در منزل آیت‌الله بروجردی، به آن اعتراض کردند و واکنش‌های شدید منجر به لغو مراسم رژه دختران شد (همان: ۴۲).

شورای عالی جمعیت‌های زنان ایران<sup>۱</sup> و مجله‌های مبتدل<sup>۲</sup> از جمله مواردی بود که اعتراض زنان را به دنبال داشت و آن‌ها را به این فکر واداشت که به‌سراغ فعالیت‌های مبارزاتی و انقلابی بروند و فعالیت‌های جدی خود را آغاز کنند (طهماسبی، ۱۳۸۵: ۲۷).

حزب جبهه ملی و حزب توده نیز از مهم‌ترین احزابی بودند که بر جامعه‌پذیری سیاسی زنان تأثیر می‌گذاشتند. جبهه ملی از سال ۱۳۳۹ به‌طور رسمی فعالیت خود را آغاز کرد و تعدادی از زنان، مانند پروانه اسکندری و هما دارابی، جذب حزب شدند و سازمان زنان جبهه ملی را تشکیل دادند (همان: ۴۹). حزب توده نیز از نخستین تشکیلات وابسته به بیگانگان بود که زنان را به عرصه فعالیت‌های سیاسی وارد کرد. زنان به‌رهبری مریم فیروز، عضو حزب شدند و تشکیلات زنان را بنیان نهادند. عضویت زنان در حزب توده، زمینه‌ساز عضویت آنان در گروه‌های چریکی و فداییان خلق در سال‌های آینده شد (همان: ۵۱ و ۵۲).

آگاهی‌بخشی علما و رهبران و متفکران دینی به بانوان درباره شناخت صحیح نقش و هویت خود و مسئولیت اجتماعی یک زن در آن زمان و درخواست از آن‌ها برای حضور در مبارزه علیه رژیم پهلوی، نشان‌دهنده این است که انقلاب اسلامی بر این اعتقاد بود که نمی‌توان نقش‌آفرینی زنان را صرفاً در

۱. یکی از اقدامات این شورا که واکنش‌های منفی بسیاری را به دنبال داشت، دعوت از هنرپیشگان و خوانندگان زن غربی برای شرکت در مجالس و جشن‌ها بود (همان: ۴۴).

۲. مجلاتی مانند زن روز و اطلاعات بانوان که از مبتدل‌ترین مجلات آن زمان بودند و به چاپ داستان‌ها و تصاویر مبتدل درباره مسائل جنسی و زنان می‌پرداختند، نقش زیادی در انحراف زنان ایفا می‌کردند (همان: ۴۶). علاوه بر اعتراض علما به این مجلات، برخی از زنان متدین و تحصیل‌کرده با نوشتن مقالاتی سعی می‌کردند به مقالات آنان جواب دهند (طهماسبی به نقل از خادم شریعت، ۱۳۸۵: ۴۶).

خانه یا صرفاً در اجتماع دانست؛ بلکه با تجمیع این دو نگاه و ارائه یک نگاه جدید و جامع، داعیه دار این شد که تعریفی که از زن ارائه می‌دهد، بیشترین تقارب را با نگاه اسلامی و ایرانی به زن دارد (خادمی و تقی‌زاده، ۱۳۹۸: ۲۵۸). یک زن، هم می‌تواند در خانه و خانواده حول محور همسری و مادری به ایفای نقش بپردازد و هم به عنوان فردی مستقل در جامعه بر سرنوشت و آینده آن جامعه اثرگذار باشد و مبتنی بر حضور اجتماعی خود در جامعه، به ایفای نقش بپردازد. در جریان وقوع انقلاب اسلامی ایران نیز شواهد و مدارکی وجود دارد که نشان‌دهنده تأثیر مستقیم و مهم زنان در پیروزی انقلاب اسلامی است. علاوه بر مردان که در این مبارزات حضور داشتند، زنان هم پایه‌پای آن‌ها و به شکل‌های مختلف در جهت پیشبرد اهدافشان، حرکت می‌کردند؛ زنانی که خود دارای خانواده و نقش‌های همسری و مادری بودند، اما در مجبوحه مبارزات، خود را کنار نکشیده و در حد توان خود و به هر شکلی که برای آن‌ها مقدور بود، فعالیت‌های مبارزاتی و انقلابی انجام می‌دادند. از فعالیت‌های بانوان در این مقطع تاریخی، می‌توان به فعالیت‌های فرهنگی، تبلیغی، مذهبی و مبارزات سیاسی اشاره کرد؛ به طوری که در شهرهای مختلف، جلسات مذهبی و فرهنگی مختص بانوان تشکیل می‌شد.

در نتیجه این مبارزات سیاسی، تعدادی از زنان توسط ساواک دستگیر و در کمیته مشترک ضدخراب‌کاری شکنجه و بازجویی می‌شدند. مرحوم مرضیه حدیدچی و مرحوم مریم بهروزی از آن جمله‌اند. همچنین شایان ذکر است که تعداد چشمگیری از زنان، با عضویت در گروه‌های مبارز، در عرصه سیاسی و مبارزه فعالیت داشتند؛ مانند سازمان مجاهدین خلق که تا زمانی که خط مشی این سازمان با خواسته‌های زنان و مردان مذهبی تناقض نداشت، آن‌ها به همکاری خود با این سازمان ادامه دادند. حزب توده و سازمان چریک‌های فدایی خلق نیز با گرایش‌های مارکسیستی، در تلاش بودند که زنان در عرصه‌های اجتماعی